

چند به اصطلاح دست‌نامه آموزشی از مجموعه دست‌نویس‌های مانوی تورفان در برلین^۱

محمد شکری فومشی*

چکیده

در این مقاله، چهار قطعه تاکنون منتشر نشده از مجموعه دست‌نویس‌های مانوی باز یافته از تورفان با شناسه M409b، M1206، M7380، و M1571a که در فرهنگستان علوم براندنبورگ (برلین) نگهداری می‌شود قرائت، ترجمه، و تفسیر شده است. این قطعات، که مشتمل بر الفبای مانوی با ترتیب ابجدی‌اند، در واقع برای نوآموزان سغدی، که قصد داشتند شعر بیت‌دار پارتی تصنیف کنند، نوعی دست‌نامه آموزشی بوده‌اند. در این پژوهش کاملاً نو، به نظام ابجدی متن‌های مانوی و علت وجود برخی از نویسه‌های غیر ابجدی، به‌ویژه علت وجود حرف <n> (پس از قرشت)، در فهرست‌های الفبایی پرداخته شده و فنون کاتبان برای آموزش شاگردان تجزیه و تحلیل شده است. در پیوست، دست‌نویس مانوی نویافته‌ای از نیشابور، که همانند قطعات تورفان دست‌نامه‌ای آموزشی بوده، بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: متون مانوی، دست‌نامه آموزشی / نظام ابجدی، شعر پارتی / دست‌نویس‌های تورفان، فهرست الفبا / قطعه نیشابور، آموزش.

۱. مقدمه

بنا بر آنچه مری بویس در «فهرست‌واره دست‌نویس‌های ایرانی به خط مانوی از مجموعه»

* دانشجوی ترم آخر دکتری ایران‌شناسی، مطالعات مانوی، دانشگاه آزاد برلین، انستیتو ایران‌شناسی، و مربی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم mshokrif@aol.de

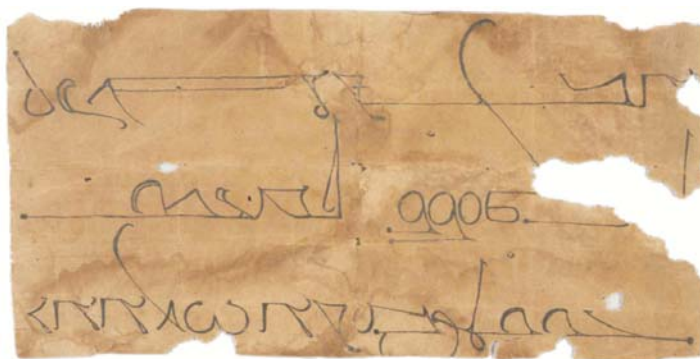
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۰

تورفان در برلین» (Boyce, 1960) منتشر کرده است، در میان مجموعه دست‌نویس‌های مانوی باز یافته از واحه تورفان، سه قطعه وجود دارد که به آموزش الفبای مانوی و ترتیب آن‌ها مربوط می‌شود. این‌ها قطعات منتشر نشده M409b، M1206، و M7380 هستند. بویس در نمایه موضوعی این اثر (§۳۷ دفتر مشق و الفبا) به طرز عجیبی از قطعه M1571a/A- side/ یاد نکرده است (← (ibid: 148b, §37). او در متن کتاب هم، ذیل این شناسه (signature)، این دست‌نویس را جزء برگ‌هایی قرار داده که قرار بود توسط خود او در آینده در اثری با عنوان «روایت‌های پارتی مزامیر مانی» (*The Parthian Versions of Mani's Psalms*) منتشر شود (ibid: 73, cf. xxxvi, s.v. Boyce, 2nd case)؛ که ظاهراً مرگ او مانع از اتمام کار و انتشار آن شد. اما، همچنان که آشکارا معلوم است، خود دست‌نویس فقط و فقط فهرست الفبای مانوی با ترتیب ابجدی است. او احتمالاً تنها به این دلیل این قطعه را در ردیف «سروده» جای داده بود که بسیاری از سروده‌های مانوی ترتیب ابجدی دارند، همچنان که در حقیقت این فهرست با ترتیب ابجدی‌اش می‌توانست دست‌نامه آموزشی مناسبی برای نوآموزانی باشد که قصد داشتند شعر بیت‌دار پارتی تصنیف کنند (ادامه مقاله). اما، اگر این اظهار نظر قرین صحت باشد، به‌سختی می‌توانم توجیه کنم که او چرا، در کنار سه قطعه فوق‌الاشاره، نه در متن فهرست‌واره‌اش و نه در نمایه این کتاب، از این دست‌نویس در مقام قطعه‌ای یاد نکرده است که مشتمل بر الفبای مانوی با ترتیب ابجدی است. به هر حال، من در این‌جا ابتدا همین قطعه را منتشر می‌کنم که، در مقایسه با سه قطعه فوق‌الذکر، سالم‌تر است.

۲. قطعه M 1571a

متن این دست‌نویس فهرست الفبای مانوی بر اساس ترتیب ابجدی است (پشت برگ به چینی است). در این‌جا همه حروف الفبا باقی مانده است: «ابجد، هوز، خطی، کلمن، سعفص، قرشت». اندازه برگ 12.8 x 25.9 cm یعنی کمی کوچک‌تر از برگ‌های یک کتاب رحلی است، چنان که حروف آن از راه نه چندان دور قابل مشاهده است. فاصله بین سطرها در حدود ۳ cm است و، همچنان که از تصویر معلوم است، برگ بدون حاشیه است. «جدول متن» یا «چهارچوب متن»^۲ به اندازه برگ دست‌نویس است. اندازه قلم بسیار درشت و در عین حال بسیار نازک و سبک آن بسیار خوش‌نویسانه است. در این نوع فهرست‌ها، نویسه‌ها همانند «عنوان»‌ها معمولاً درشت و بزرگ نوشته می‌شوند و نقطه‌های

نویسه‌های نقطه‌دار، مانند نقطه <ʔ>، به حساب نمی‌آیند. حرف‌نوشت این دست‌نویس به قرار زیر است:



M1571a/A-side/

© Depositum der BBAW in der SBB–Preußischer Kulturbesitz, Orientabteilung

M1571a/A-side/{B-side Chinese}

/1/ (ʻ)b(γ)d^ahwzj

/2/ (hʔ)yxk 1 mns

/3/ 'pf(c)q r'ʔt''n

a: انتظار می‌رفت در این‌جا به جای <γ> نویسه <g> می‌آمد. اما بررسی اصل دست‌نویس نشان می‌دهد که بالاترین بخش حلقه نویسه <γ> باقی است. پیش از دیدن اصل قطعه، خانم محبوبه خدایی نویسنده را متوجه این نکته کرده بود (← ادامه مقاله).

این فهرست الفبا با ترتیب ابجدی به احتمال قوی با هدف آموزش الفبای مانوی و چگونگی ترتیب بیت‌ها به نوآموزان سغدی بوده است. دست‌نویس باید متأخر باشد، چراکه نویسه‌های ابداعی متأخر، که جزء الفبای بیست و دو گانه (در حقیقت، بیست و سه گانه) مانوی (← ادامه مقاله) نیستند، در این فهرست مشاهده می‌شوند. بازنگری اصل دست‌نویس نشان می‌دهد که بالاترین بخش حلقه نویسه <γ> - نویسه‌ای که بدون حلقه اش <g> محسوب می‌شود (همچنان که <γ> از روی <g> ساخته شده) - اندکی پیداست. در واقع، بخش اصلی این حلقه در بخش افتادگی دست‌نویس جای دارد، نویسه‌ای که به جای آن قاعدتاً باید <g> می‌آمد. در سه دست‌نویس تورفانی دیگر (← ادامه مقاله) «ابجد» باقی‌مانده است تا بتوان شاهدی از به‌کار رفتن <γ> به جای <g> در «ابجد» را دقیق‌تر نشان داد، مگر دست‌نویس مسئله‌دار اخیراً بازیافته از نیشابور که به پیوست این مقاله منتشر

می‌شود، اما کاملاً روشن است که در خود اشعار ابجدی (و نه در فهرست‌های الفبا، مانند آنچه در دست‌نویس‌های این مقاله دیده می‌شود)، بیت سوم با نویسه آغازین <g> شروع می‌شود نه با <γ>. در قطعه بالا، نقطه دو نویسه <x> و <f> کمی بیش از حد طبیعی بالاست. در این جا طبیعی بود که نویسه متأخر <f> - که بعدها با افزودن یک نقطه بر فراز نویسه <p> پدید آمده - در این ترتیب پس از <p> بیاید، اتفاقی که در مورد ترتیب <x> و <k> نیفتاد (به عبارت دیگر، ابتدا باید <k> می‌آمد بعد <x>).

بسیار جالب است، در چند دست‌نویسی که مشتمل بر فهرست الفبای مانوی‌اند، به استثنای «ابجد»، نخستین حرف دیگر واژه‌های ابجدی به واژه ابجدی پیش از خود می‌چسبند، مانند چسبیدن حرف <k> از klmn «کلمن» به واژه قبلی اش، یعنی htȳ «حطی»؛ یا مثلاً حرف <s> در پایان سطر دوم و چسبیده به klmn «کلمن» متعلق به واژه قبل، یعنی s'pc «سعفص» است که در ابتدای سطر سوم آمده است. شواهد دیگر در دست‌نویس‌های دیگر حاکی از آن‌اند که این امر یک قاعده بوده است. علت وجود این سبک حداقل بر من نامعلوم است.

اما نویسه‌های اضافه الف <'> (سه بار) و <n> در پایان r'st'n در ردیف ابجدی qrst چیست و این نویسه‌ها به چه علت به واژه ابجدی «قرشت» اضافه شده‌اند، نکته‌ای که در باب آن تاکنون اظهار نظری نشده است. اصولاً دیران مانوی برای تراز کردن سطر و تنظیم ستون متن تمهیدات خاصی را به کار می‌بردند. یکی از این تمهیدات، فن «افزوده‌نویسی»، یعنی افزودن نویسه‌های بدون ارزش آوایی به واژه بود.^۳ در یک متن (و نه در یک فهرست همانند فهرست بالا) این اتفاق معمولاً در آخر واژه می‌افتد. مانند دست‌نویس M5751/A/i/9 که در آن دو الف <'> به آخر واژه 'šhry'r'n «شهریاران» اضافه شده است. در دست‌نویس بالا، سه الف <'> به qrst افزوده شده است تا در حقیقت سطر به پایان برسد و سطر هماهنگ با ستون متن تراز شود، وگرنه بخشی از جدول متن خالی می‌ماند و این امر با زیباسازی دست‌نویس منافات داشت. قاعده «بسامدنویسی» (تکرار نویسه یک بار یا بیشتر)، در هر سه جایگاه آغازی، میانی یا پایانی، معمولاً الف <'> نمی‌توانست در این جا نقشی ایفا کرده باشد.

نویسه <x> از روی نویسه <k> ساخته شده و بنابراین می‌بایست در فهرست پس از آن می‌آمد. اما از آن جا که <k> از واژه klmn، طبق قاعده، می‌بایست به واژه قبلی اش یعنی htȳ «حطی» می‌چسبید (← بالا)، ابتدا <x> آمده تا <l> در «کلمن» ادامه بی‌واسطه <k> باشد و

بدین ترتیب میان دو واژه «خطی» و «کلمن» فاصله‌ای پیش نیاید. این پاسخی است به این پرسش که چرا در واژه «سعفص» به‌درستی ابتدا <p> آمده و آن‌گاه <f>.

۳. جایگاه بیت <z> و کارکرد بیت <n> در سروده‌های ابجدی و فهرست‌های الفبایی

پرسش‌های مهم هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند. سؤال این‌جاست: علت وجود نویسه <z> در این فهرست، که در ردیف h w z j «هوز» و بلافاصله پس از آن می‌آید، چیست؟ همین‌طور: در حالی که نویسه <n> در الفبای اصلی در ردیف k l m n وجود داشته است، چرا در این فهرست، کاتب ما نویسه اضافه <n> را در پایان q r s t آورده است؟ بخشی از پاسخ به این پرسش‌ها در نظام ابجدی اشعار مانوی نهفته است. این‌گونه اشعار معمولاً نظمی قابل قبول دارند، اما برای کسی که قصد شناخت این دسته از متون را دارد، توجه به تمهیدات خاص شاعر مانوی، که از آن، برای برهم‌زدن این نظم استفاده می‌کند، ضروری است. حرف <z> جزء سیستم ابجدی قدیم نیست؛ اما، از آن‌جا که پس از ابداع خط مانوی، این حرف یکی از حروف اصلی الفبای مانوی شد، در اشعار ابجدی مانوی نیز به‌طور طبیعی بیت پس از <z> (در «هوز») با <z> شروع می‌شود (یکی از صدها مثال در M92/R/7a)؛ و این چیزی است که در دست‌نویس ما در بالا نیز دیده می‌شود. اما کاتبان مانوی در موارد متعدد، با همان هدف بالا، به جای حرف اصلی ابجدی از حروفی دیگر، که از روی حروف اصلی ساخته شده‌اند، نیز استفاده می‌کردند. رایج‌ترین این حروف اصلی <z> و <k> هستند که به جای آن‌ها به ترتیب <z> و <x> نیز به کار می‌رفت؛ مثلاً <x> به جای <k> (نویسه <x> یک نقطه بر فراز خود اضافه دارد) در M279/R/ii/5؛ و <z> به جای <z> در M2000/V/ii/4. در واقع، در این فهرست‌ها، اگر نویسه‌ای از روی نویسه‌ای دیگر ساخته شده باشد (معمولاً با افزودن یک یا دو نقطه بر بالا)، ابتدا نویسه اصیل و قدیمی می‌آید و بعد نویسه ابداعی و جدید. کاتب ما در این قطعه نویسه <f> را بلافاصله پس از نویسه <p> آورده است. پیش از ابداع نویسه‌ای برای <f>، از <p> هم برای واج <p> استفاده می‌شد و هم برای واج <f>. اما نویسه <z> در اصل جزء الفبای سریانی نبود که الفبای مانوی بر اساس آن ابداع شده بود. با افزودن این نویسه به سیستم الفبای الگو (سریانی)، شمار الفبای اولیه مانوی در واقع به ۲۳ رسید؛ به عبارت دیگر، الفبای مانوی یک نویسه از سیستم ابجدی آرامی بیشتر دارد. از آن‌جا که در خط مانوی <z> می‌توانست به جای <z> به کار رود، جایگاه آن نیز در ترتیب ابجدی بلافاصله پس از <z> قرار گرفت.

اکنون می‌پردازیم به این سؤال که نویسه <n> (بعد از qrst) اساساً چیست و به چه معنا بوده است. از آن‌جا که در اشعار ابجدی مانوی، پس از آخرین بیت یک ردیف ابجدی، یعنی پس از بیت با نویسه آغازین <t>، بیتی اضافه می‌آید که با نویسه <n> شروع می‌شود، گمان می‌رود این بیت نشانه‌ای برای پایان سروده محسوب می‌شده است. این نکته ظاهراً واقعیت دارد اما، اگر شعر مشتمل بر ابیاتی بیش از شمار ۲۴ بوده (۲۲ بیت، مطابق با ۲۲ نویسه الفبای سریانی، به اضافه یک بیت برای نویسه <z> که از همان ابتدا به خط مانوی افزوده شده بود) در وسط ترتیب ابجدی، و نیز یک بیت اضافی با نویسه <n> در پایان ترتیب ابجدی، پس از بیت <t>، یک بار دیگر با «ابجد» شروع می‌شده و با «قرشت» به پایان می‌رسیده است. در این مرحله دوم نیز، پس از بیت <t> (از قرشت)، یک بیت اضافی دیگر با حرف آغازین <n> به شعر افزوده می‌شده است. در این‌جا ذکر این نکته مهم است که ادبیات منظوم مانوی در داشتن این یک بیت اضافی، تا آن‌جا که می‌دانیم، با ادبیات مندایی (و تنها با این ادبیات) سهیم است (Durkin-Meisterernst, 2007: 68). اما همان‌گونه که نویسه <p> در حاشیه دست‌نویس‌های مربوط به این‌گونه اشعار و در حاشیه ابیات یکی در میان می‌آید و احتمالاً کوتاه‌نوشت واژه *padwāg* «پاسخ» است، آیا <n> نیز در این‌جا کوتاه‌نوشت واژه‌ای است؟ تصور می‌رود که در واقع چنین است. برخی اظهار نظرها (Durkin-Meisterernst, 2011: 34) حاکی از آن‌اند که شاید این نویسه کوتاه‌نوشت واژه *nm'c/namāz* «نماز، تکریم، تعظیم، سجده» (Cf. DMMPP 242b) باشد، اما به نظر می‌رسد وجود این واژه در پایان ابیات ابجدی چندان مناسبتی با این نوع از ادبیات ندارد، به‌ویژه آن‌که این کوتاه‌نوشت، پس از آن‌که هر بار ترتیب ابجدی پایان می‌پذیرد، دوباره در پایان ترتیب ابجدی بعدی ظاهر می‌شود. ما در این‌جا با بیت <n>، در حقیقت، با یک «بند گردان» یا «بندبرگردان» مواجه هستیم. به این دلیل، من تصور می‌کنم این واژه ممکن است کوتاه‌نوشت واژه *nhxt /nihaxt/* صفت مفعولی *nhynj- /nehinf/* «عقب‌کشیدن، خودداری کردن، نگه‌داشتن، حفظ کردن» (DMMPP 242a) باشد. کاملاً آشکار است که این بیت می‌توانست بیت اتصال‌دهنده و نگه‌دارنده مجموعه ابیات ابجدی «پاره نخست»، «پاره دوم» و «پاره سوم» (الخ) باشد. به عبارت دیگر، بیت <n>، با نگاه به عقب، ترتیب ابجدی را دوباره به حالت آغازین‌اش برمی‌گرداند، چنان‌که ابیات «پاره(های)» بعدی دوباره با ابجد شروع شوند. از این رو است که تمایل دارم بیت <n> را نوعی «بند گردان، بندبرگردان» در نظر بگیرم تا «نماز» یا هر واژه دیگری. نکته بسیار مهم

دیگر این است که، به لحاظ اندازه، nhxt حاکی از پایان یک «پاره» از شعری ابجدی و hnjft به معنی «پایان یافت» (صرف نظر از وجود آن در متن‌های متثور نیز) نشانهٔ پایان کل شعر بود. بهترین شاهد ما برای این استدلال وجود عبارت $b \text{ } \acute{s} \acute{h}$ hnjft 'wnglywnyg «پایان یافت سرود انجیل» در دست‌نویس M1313/R/5 است. در میان «پاره»های متعدد این «باشاه» (سروده) ممکن بود چند بیت با نویسهٔ آغازین <n> آمده باشد (متأسفانه از این دست‌نویس جز این عبارت چیزی باقی نمانده است). بنابراین، دست‌نویس بالا دست‌نامه‌ای بوده است برای شاگردانی که قصد داشتند الفبای مانوی و در پی آن، بی‌هیچ تردیدی، ترتیب ابیات شعر را نیز بیاموزند.

۴. قطعهٔ M 409b

تعداد این دست‌نامه‌ها می‌بایست نسبتاً فراوان می‌بود. من سه قطعه از آن‌ها را، که در مجموعهٔ برلین محفوظ است و در بالا از آن‌ها یاد کردم، در این جا منتشر می‌کنم. نخست دست‌نویس M409b که روی آن دو سطر دارد و پشت آن نانوخته و سفید است:



M409b/recto/

© Depositum der BBAW in der SBB – Preußischer Kulturbesitz, Orientabteilung

M409b/Recto/{Verso blank}(Boyce 1960, 27)

/1/(ht)y(xk)^a(l)mns

/2/ 'pf(c)q (r')št'n

a: به استثنای <y>، لبهٔ بالایی مابقی نویسه‌ها افتاده است.

اندازهٔ قلم متن تنها اندکی از قلم M409a درشت‌تر و نسبت به دست‌نامهٔ M1571a (← بالا) حداقل سه برابر کوچک‌تر است، اگرچه همچون دست‌نویس اخیر خوش‌نویسانه نوشته شده است. حلقه‌ای که پیش از نویسهٔ <y> دیده می‌شود، در واقع، حلقهٔ زیرین نویسهٔ <t> است. این حلقه آشکارا کمی درشت‌تر از <y> است. اگرچه لبهٔ فوقانی نویسهٔ

<x> در بخش افتادگی دست‌نویس قرار دارد و بنابراین نقطه این نویسه از میان رفته است، از طریق دست‌نویس M1571a می‌توانیم تصور کنیم که دو نویسه مشابه بعد از <y>، اولی <x> و دومی <k> است. حلقه زیرین نویسه <c> به طرز جالبی همانند خط بلند نویسه <k> صاف و کشیده است، اما لبه انتهایی آن پس از نویسه <q> دیده می‌شود. در حقیقت، کاتب خوش‌نویس ما نویسه <q> را درون این حلقه زیرین جای داده است (قس <cy>). این دست‌نویس تنها قطعه از این مجموعه دست‌نامه‌هاست که نویسه <n> آن از نوع «پایانی» (با قلم «کوچک» و به سبک قلم متن) است، در حالی که این نویسه در بقیه دست‌نویس‌ها در اندازه «درشت» و از نوع «آغازین و میانی» نوشته شده است. در این جا نویسه <t> همانند فرم آن در متن، و نه در عنوان/ تیترا، به صورت فرم اصلی، نقطه‌دار است. (برای تفسیر واژه‌ها ← تفسیر قطعه M1571a در بالا).

۵. قطعه M 1206

دست‌نویس دیگر قطعه M1206 است. در «صفحه الف»، دو متن وجود دارد: یکی به خط سغدی پیوسته با قلم کوچک و نسبتاً ریز در شش سطر که بسیار کم‌رنگ و آسیب‌دیده است؛ و دیگری بخشی از الفبای مانوی با ترتیب ابجدی، این هم در شش سطر. اندازه قلم این فهرست الفبا درشت و سبک آن نیز - همچون دست‌نویس M1571a (بالا) - بسیار خوش‌نویسانه است. کاملاً معلوم است که این فهرست، کار یک کاتب خوش‌نویس است.



M1206/A-side/

© Depositum der BBAW in der SBB – Preußischer Kulturbesitz, Orientabteilung

M1206 [= T I a](Boyce 1960, 68)

A-side

/1/ [](•šnn)nq[]
/2/ [](•)nn m[]
/3/ [](h) wzjj(h)[^a]
/4/ [](•m) m(n) {blank}[]
/5/ [](m) ^b nns(n)[]
/6/ [](mn)[•](•ps)[^c]

a: قرائت بویس (Boyce, 1960: 68). به دلیل وجود نویسه <h> در پایان سطر، انتظار می‌رود واژه *hwzj* یک بار دیگر در همین سطر تکرار شده باشد.

b: به نظر می‌رسد <h> باشد.

c: دست‌نویس، درست در جایی که نویسه <p> جای گرفته، افتادگی دارد. بنابراین، ممکن است این نویسه در حقیقت <h> باشد. از تمام نویسه‌های این سطر، فقط لبه فوقانی آن‌ها باقی مانده است.

در این صفحه، در آن بخشی که به خط مانوی نگاشته شده، متن به خصوصی وجود ندارد. در این جا تنها ردیف ابجدی *hwzj* «هوز» در سطر ۳ (و شاید هم *klmn* «کلمن» در سطر ۴، ۵ و ۶ و *s'pc* «سقفص» در سطر ۶) و نیز به طور پراکنده برخی از نویسه‌های مانوی نوشته شده است. از آن جا که کاتب پس از نگارش دو نویسه <z> کوشیده برای بار سوم این نویسه را بنگارد، اما نیمه‌کاره آن را رها کرده (شاید هم بخش راست نویسه <h> باشد؛ چیزی که برای استدلال ما تفاوتی ندارد)، و آن‌گاه در کنار آن بلافاصله نویسه <h> را درست بر بالای یک <h> دیگر تکرار کرده، تصور می‌کنم این قطعه بخشی از یک سیاه‌مشق کاتب برای آموزش الفبای مانوی به یک شاگرد بوده است. این نظر به این دلیل تقویت می‌شود که بسیاری از نویسه‌های دست‌نویس بی‌هدف پشت سر هم تکرار شده‌اند و، به استثنای «هوز» در سطر ۳، از آن‌ها هیچ واژه‌ای مستفاد نمی‌شود. متن «صفحه ب» بی‌تردید کار شاگردی سغدی و این دست‌نویس برگی از دفتر مشق او بوده است. خط آن به طرز جالبی ابتدایی، خرچنگ قورباغه و متن آن درهم و برهم است.

۶. قطعه M 7380

آخرین قطعه این گروه از دست‌نویس‌ها، قطعه بسیار کوچک M7380 است. یک روی برگ، سفید و نانوشته است و، بر روی دیگر آن، تنها چند نویسه درشت و خوش‌نویسانه باقی است.



M7380/A-side/(ms. inverted)

© Depositum der BBAW in der SBB – Preußischer Kulturbesitz, Orientabteilung

M7380/A-side/(Boyce 1960, 131)

/1/ {reverse and inverse} [‘pf](c)[q] (r’)[št’{’}n]

/2/ {reverse and inverse} [‘pf](c)q^a r’(š)[t’{’}n]

a: نویسه <q> قرائت بویس (Boyce, 1960: 131).

در ابتدا به نظر می‌رسد از این قطعه بندانگشتی چیزی حاصل نمی‌شود، اما خوشبختانه با دقت و کنجکاوی می‌توان، از این چند نویسه، بازسازی رضایت‌مندی به دست آورد و معلوم کرد دست‌نویس در اصل چه بوده است. در این جا در واقع دو واژه ابجدی «سغفص» و «قرشت» نوشته شده که در دو سطر باقی‌مانده تکرار شده است. نخستین نویسه واژه «سغفص»، یعنی <s>، دقیقاً مطابق با قاعده، به آخر واژه قبل یعنی klmn «کلمن» (البته به صورت Imns) چسبیده بوده است (واژه «کلمن» در بخش افتادگی دست‌نویس جای داشته و از این رو در این جا دیده نمی‌شود. قس دست‌نویس‌های M1571a و M409b در بالا). برای تفسیر واژه‌ها، بنگرید به تفسیر قطعه M1571a در بالا.

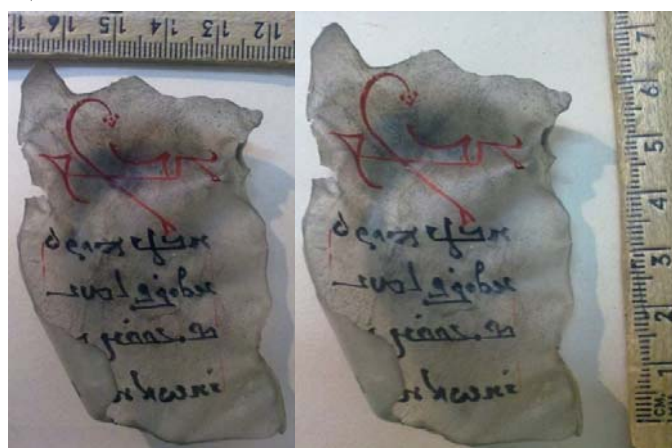
این سنت آموزشی که خود ریشه در تاریخ داشت، تا قرن‌های بعد نیز، استمرار یافت و به طرز عجیبی تا اواخر دوران قاجار در چهارسوی «ممالک محروسه» پایید و حتی تا چندی پیش، که آموزش نوین جای تعلیمات سنتی را گرفت، کاملاً رواج داشت.

پیوست

قطعه نیشابور

در سال ۱۳۹۱ با یک برگ دست‌نویس مانوی مواجه شدم که دوستم، بهرام برومند امین، آن را به من نشان داده بود. برومند، به قول خود، دست‌نویس را از فردی اهل نیشابور خریده

بود. ورق این دست‌نویس، که جنس آن از پوست (چرم) سفید است، چنان نازک است که نویسه‌های کاملاً سالم و زیبایی آن با مرکب سیاه از آن سوی برگ کاملاً شفاف قابل قرائت است. پشت برگ سفید و نانوشته است. صاحب این قلم دست‌نویس را شخصاً بررسی و نویسه‌های زیر لبه برگشته را قرائت کرده است. ابتدا دست‌نویس را می‌خوانیم:



Neyšābūr-fragment (no signature)

Hdl. {red} 'byd

/1/ 'byd ḥwzj

/2/ ḥṭyxk lmn

/3/ s'pfcq

/4/ r'st''n

مهم‌ترین مسئله این دست‌نویس تعیین اصالت آن است. چند نکته قابل تأمل وجود دارد که می‌توانند دلیلی بر اصالت‌نداشتن این دست‌نویس باشند. نخست این‌که دست‌نویس بسیار روشن، ظاهراً کاملاً نو، و بدون آسیب‌دیدگی قابل ملاحظه است. نکته دوم این‌که این دست‌نویس، به خلاف دست‌نویس‌های دیگر، «عنوان» دارد. سوم این‌که در سطر سوم، نویسه <s> از ردیف ابجدی «سعقص» می‌بایست، طبق قاعده، به آخر واژه قبل یعنی «کلمن» می‌چسبید که در این‌جا چنین نیست.

این دلایل می‌تواند اصالت این دست‌نویس را زیر سؤال ببرد. اما، از طرف دیگر، برای دفاع از اصالت «دست‌نویس نیشابور» نکات دیگری نیز قابل تأمل است. خط دست‌نویس بسیار خوش‌نویسانه و به لحاظ شکل کاملاً مطابق با دیگر دست‌نویس‌های مانوی است؛

افزون بر این‌که در اندازه برگ دست‌نویس نیز میان این ورق و قطعات تورفان شباهت چشم‌گیری دیده می‌شود. این‌که چرا نویسه <s> از واژه «سعفص» - که طبق قاعده این دست‌نامه‌ها می‌بایست به آخر واژه قبل یعنی «کلمن» می‌چسبید - خلاف قاعده در ابتدای خود واژه «سعفص» آمده، ممکن است به این دلیل بوده که کاتب نمی‌خواست به هیچ وجه از قاعده «تراز ستون متن» گریز زند. همچنان که آشکارا دیده می‌شود، دست‌نویس دارای «خط تراز ستون» نیز هست. در پای‌بندی کاتب این دست‌نویس به این قاعده باید گفت که او برای برهم‌زدن این نظم، با استفاده از تکنیک بسامدنویسی، فقط چهار بار نویسه الف <?> را بدون ارزش آوایی به واژه «قرشت» افزوده است تا ستون متن او تراز باشد (کاری که در دست‌نویس‌های مانوی بسیار دیده می‌شود، مانند به‌کار رفتن پنج الف <?> در واژه n''''''kwm در دست‌نویس /M4a/I/R/12). این نکته می‌تواند حتی امتیازی برای اصالت دست‌نویس قلمداد شود. از این گذشته، از سیاه‌مشق‌ها و دفترهای مشق که بگذریم، شواهد محکمی در اختیار داریم که نشان می‌دهند گریز از قاعده کتابت در دست‌نویس‌های مانوی امر غریبی نیست، حتی اگر به‌ندرت اتفاق افتد. اما از آن‌جا که این برگ به یک مجموعه شخصی تعلق دارد نه به یک موزه یا کتابخانه تا آزمایش‌های لازم برای اصالت برگ یا مرکب روی آن صورت گیرد، عجالتاً به‌سختی می‌توان در این زمینه سخن گفت. از آن‌جا که این ورق نو و تمیز به نظر می‌رسد، این احتمال نیز وجود دارد این برگ، که در مکان و فضایی غیر از ترکستان کشف شده، نسبت به قطعات تورفان بسیار متأخرتر و جدیدتر باشد.

پی‌نوشت

۱. نویسنده از فرهنگستان علوم براندنبورگ - برلین (BBAW) و به‌ویژه از دکتر کریستیانه رک (Chr. Reck)، محقق برجسته این فرهنگستان، که برای بازبینی اصل دست‌نویس‌ها و انتشار آن‌ها در این‌جا نهایت همکاری را مبذول داشته‌اند، و نیز از بهرام برومند امین و محبوبه خدایی، برای اشاره به چند نکته مهم و سازنده، سپاس‌گزاری می‌کند.
۲. چهارچوب متن یا جدول متن آن بخش از دست‌نویس است که فقط متن دست‌نویس را تشکیل می‌دهد. بیرون از چهارسوی جدول متن، «حاشیه برگ» خوانده می‌شود. «چهارچوب متن» یا «جدول متن» به جای واژه آلمانی Schriftspiegel به کار رفته است.
۳. صاحب این قلم واژه‌های تکنیکی کوتاه‌نوشت‌نویسی، بسامدنویسی، افزوده‌نویسی، فشرده‌نویسی،

کشیده‌نویسی، و گشوده‌نویسی را برای فنون مختلفی به کار می‌برد که مورد استفاده کاتبان مانوی بوده است.

۴. تفسیر مولر (F. W. K. Müller) را، مبنی بر این که این نویسه نمایان‌گر «مخالف سُرّا، سرود برگردان» (antiphon) است، اکثر دانشمندان پذیرفته‌اند (cited by Boyce, 1952: 435). بیت «مخالف سُرّا» یا «سرود برگردان» بیتی است یکی در میان که، به‌منزله پاسخ بیت قبلی، حصار در کلیسا می‌خواندند.

منابع

- Boyce, M. (1952). 'Some Parthian abecedarian hymns', *BSOAS 14*, pp. 435-450.
- Boyce, M. (1960). *A Catalogue of the Iranian Manuscripts in Manichean Script in the German Turfan Collection*, Berlin.
- Durkin-Meisterernst, D. (2004). *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout (Corpus Fontium Manichaeorum, Dictionary of Manichaean Texts III,1).
- Durkin-Meisterernst, D. (2007). 'Aramaic in the Manichaean Turfan texts', in: M. Macuch, M. Maggi and W. Sundermann (eds.), *Iranian Languages and Texts from Iran and Turan. Ronald E. Emmerick Memorial Volume*, Wiesbaden.
- Durkin-Meisterernst, D. (2011). 'Literarische Termini in mitteliranischen manichaischen Texten', in: Özertural, Z. und J. Wilkens (eds.), *Der östliche Manichäismus. Gattungs- und Werksgeschichte, Vorträge des Göttinger Symposiums von 4.-5. März 2010*, Abhandlungen der Akademie der Wissenschaften zu Göttingen, neue Folge 17, pp. 27-44.